

# کاربرد روایات در اثبات چینش توقیفی آیات

دکتر علی احمد ناصح

استادیار علوم قرآنی و حدیث دانشگاه قم

## چکیده

پیرامون مجموعه روایاتی که به احادیث تفسیری موسوم‌اند، مباحث گوناگونی مطرح است. با قطع نظر از مباحثی که در جای خویش نسبت به ارزش و اعتبار و یا عدم اعتبار این گونه روایات مطرح است، یکی از سؤالات مهم پیرامون این گونه احادیث این است که این احادیث در چه مواردی کارساز بوده و می‌توانند نقش آفرینی کنند. در این مقاله کاربرد این گونه احادیث در یک موضوع معین از مباحث تاریخ قرآن یعنی کیفیت چینش آیات و ارتباط آن با بحث عدم تحریف و نیز تناسب آیات و سوره مورد گفتگو قرار گرفته و با دسته‌بندی روایات مربوطه و استفاده از آنها این مطلب به اثبات رسیده که چینش آیات وحیانی بوده و جز توقیف راهی نییوده است، در نتیجه نشان داده شده است. که برخلاف تصور کسانی که با دیده بی‌اعتنایی به این گونه احادیث می‌نگرند، این روایت می‌توانند در عرصه‌های مختلف قرآنی کارساز و نقش‌آفرین باشند.

واژگان کلیدی: سوره، حدیث، توقیفی، کتب حدیثی، چینش

## مقدمه

یکی از موارد کاربرد و نقش‌آفرینی احادیث مربوط به قرآن، استفاده از این گونه احادیث در جهت اثبات توقیفی بودن ترتیب آیات و چینش و نظم آنها در ضمن یک سوره می‌باشد، و از آنجا که در میان دانشمندان علوم قرآنی، چگونگی شکل‌گیری سوره قرآن و پیوند و ارتباط آیات یک سوره و کیفیت چینش فعلی آیات در قالب سوره‌های قرآن مورد گفتگوست، این بحث اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، از جهتی این بحث با مباحثی چون عدم تحریف قرآن و تناسب آیات و سوره نیز در ارتباط است، چراکه با پذیرش توقیفی ترتیب آیات و اعتقاد به وحیانی بودن چینش آن، شائبه هرگونه تحریف

منتفی شده و نیز تنها در صورتی می‌توان از تناسب و ارتباط میان آیات یک سوره سخن گفت که وحیانی بودن ترتیب نسبت به آنها پذیرفته شده و به اثبات رسیده باشد. توضیح اینکه: گرچه در زمینه تألیف و نظم قرآن به شکل کنونی مباحثی مطرح است ولی مهمترین بحث به کیفیت چینش آیات در کنار یکدیگر و شکل‌گیری سوره‌های قرآن بر می‌گردد. (چرا که راجع به کیفیت نظم کلمات اختلافی وجود نداشته و همه امت اسلامی بدون استثناء در طول تاریخ بر این گفته اتفاق داشته و دارند که کیفیت، کلمات، تعبیرات، شکل، اندازه، اسلوب و روش‌های به کار رفته در جملات و ترکیب و نظم آیات همگی از جانب خداوند و به وسیله وحی صورت پذیرفته است).

این مطلب بدون هیچ‌گونه تردیدی مورد قبول همه فرق اسلامی می‌باشد. در بحث جمع قرآن به معنای جمع سوره‌های قرآن و ترتیب و تنظیم آنها در کنار یکدیگر و شکل‌گیری مصحف به صورت بین‌الدفتین نیز عمدتاً نظریه جمع بعد از وفات پیامبر (ص) را پذیرفته‌اند (معرفت، ۱۴۱۶: ۲۸۳ و معرفت، ۱۳۷۷: ۱۵). گرچه عده‌ای همانند: ابن انباری، طیبی، کرمانی، سید مرتضی علم الهدی و آیت الله خوبی و ... در این مورد نیز قائل به توقیفی بودن آن شده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۷۶ و معرفت، ۱۴۱۶: ۲۸۳-۲۸۴).

### احادیث مربوطه

با استفاده از یک سری احادیث می‌توان نتیجه گرفت که چینش آیات در کنار یکدیگر و شکل‌گیری سوره‌های قرآن امری است که در زمان پیامبر (ص) صورت پذیرفته، جز توقیف راه دیگری را نپیموده، و اجتهاد صحابه در آن راه نداشته است، ما این احادیث را در چهار گروه دسته‌بندی کرده و پس از تبیین نقش و کاربرد آنها در این خصوص نمونه‌هایی از هر دسته را ذکر می‌نماییم:

**دسته اول** روایاتی هستند که از آنها استفاده می‌شود. سوره‌های قرآنی در زمان حضور پیامبر (ص) تشخیص داشته و کاملاً حد و مرز و محدوده آنها مشخص و شناخته شده بوده است، به عنوان شاهد از آن سری روایاتی می‌توان نام برد که پیامبر (ص) برای سوره‌های ویژه‌ای عنوان خاصی را ذکر کرده‌اند و این نشانه این مطلب است که در زمان حیات پیامبر (ص) این عناوین خاص شناخته شده بوده و خود گویای تعیین و شکل‌گیری سوره‌ها در آن دوران است، به عنوان نمونه احادیث ذیل را که در منابع فریقین آمده است بنگرید:

۱- عن النبي (ص) انه قال: اعطيت مكان التوراة السبع الطوال و مكان الانجيل المثاني

و مكان الزبور المثين و فضلت بالمفصل (سيوطی، ۱۴۰۷: ۱۶۱-۱۶۲، طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۴) رسول خدا (ص) فرمود: خداوند به جای تورات سبع طوال (هفت سوره طولانی بقره، آل عمران، نساء، اعراف، انعام، مائده و یونس) و به جای انجیل المثانی (سوره‌های که عدد آیات آنها زیر صد آیه است و نزدیک بیست سوره‌اند که قابل تکرارند و به جهت کوتاه بودن بیش از یک مرتبه تلاوت می‌شوند) و به جای زبور مثین (سوره‌هایی که عدد آیات آنها متجاوز از صد آیه است و حدود دوازده سوره می‌باشند) را به من مرحمت فرمود و من با سوره‌های مفصل (سوره‌هایی که چون فواصل آیه‌های این سوره‌ها کوتاه است بدین نام نامیده شده‌اند و از سوره الرحمن تا آخر قرآن را شامل می‌شوند) برتری یافتیم.

۲- سیوطی از مسلم نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: اقرؤا الزهراوين البقرة و آل

عمران (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۷۷)، زهراوین یعنی دو سوره بقره و آل عمران را بخوانید.

۳- بخاری از ابن مسعود نقل کرده که: انه قال: فی بنی اسرائیل و الکهف و مریم و

طه و الانبیاء انهن من العتاق الاول و هو من تلادی (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۷۷).

یعنی سوره‌های بنی اسرائیل، کهف، مریم، طه و انبیاء از عتاق اولند و عتاق اول از

دیرینه می‌باشد.

احادیث فوق و دیگر احادیث همسان که در آنها عناوین و اسم‌های معروف و شناخته شده یک سوره و یا بخش خاص از قرآن نام برده شده است همگی مؤید این مطلب‌اند که این نام‌ها برای این سوره و بخش‌ها در آن دوران کاملاً شناخته شده و معروف بوده‌اند. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: آنچه هرگز قابل تردید نیست و نمی‌شود انکار کرد این است که اکثر سوره قرآنی پیش از رحلت در میان مسلمانان دایر و معروف بوده‌اند، در ده‌ها و صدها حدیث از طرق اهل سنت و شیعه در وصف تبلیغ پیغمبر اکرم (ص) با یارانش پیش از رحلت و هم چنین در وصف نمازهایی که خوانده و سیرتی که در تلاوت قرآن داشته نام این سوره‌ها آمده است و همچنین نام‌هایی که برای گروه گروه این سوره‌ها در صدر اسلام دایر بوده مانند سوره طوال و مثین و مثانی و مفصلات در احادیثی که از زمان حیات پیغمبر اکرم حکایت می‌کند بسیار به چشم می‌خورد (طباطبایی، ۱۳۵۰: ۱۱۲).

گفتنی است که در آن بخش از سخنان علامه طباطبایی (ص) که فرمود: اکثر سوره

قرآنی پیش از رحلت در میان مسلمانان دایر و معروف بوده‌اند.

جای مناقشه دارد و این اشکال برایشان وارد است که داوریش با واقعیت‌های تاریخی و ادله متقن سازگار نیست، چرا که می‌دانیم اهتمام فوق‌العاده پیامبر(ص) نسبت به قرآن، نزول تدریجی آن، و شور و عشق وافر مؤمنان در آن دوران به حفظ و کتابت و ضبط دقیق وحی قطعاً نتیجه‌ای جز معروف و شناخته شدن و رواج همه سوره‌های قرآنی نداشته است.

دکتر حجتی در این باره می‌گوید: هر سوره‌ای در قرآن کریم، همزمان با حیات رسول خدا(ص) دارای نام و عنوان یا نام‌ها و عناوینی بوده است که از طریق وحی معین و مشخص گردید (حجتی، ۱۳۷۷: ۹۸).

استاد معرفت نیز می‌گوید: اسامی سوره‌ها مانند تعداد آیات هر سوره توقیفی است و با صلاح‌دید شخص پیامبر(ص) نامگذاری شده است (معرفت، ۱۳۷۷: ۷۷).

دکتر رامیار نیز چنین آورده است که: هر سوره‌ای نامی دارد و بسیاری از سوره‌ها هر یک چند نام دارد که در روایات مختلفه آمده و چنین گفته‌اند که نام سوره‌ها توقیفی است (رامیار، ۱۳۷۹: ۵۸۱).

ایشان در جای دیگر می‌گوید: احادیث مختلفه‌ای از سبع طوال، مفصل زهراوین، عناق الاول، معوذتین و امثال آن سخن به میان آورده‌اند، اینها همگی حاکی از آن است که این دسته از سوره‌ها از همان هنگام چنین نظم و ترتیبی داشته و حدود و ثغور آنها مشخص و معین بوده است (رامیار، ۱۳۷۹: ۶۰۰).

**دسته دوم** احادیثی هستند که طبق آنها پیامبر(ص) سوره‌های خاصی را در نماز و یا حالت دیگر قرائت کرده و یا احیاناً در آنها به آغاز و پایان سوره‌ها تصریح فرموده است، از این دسته روایات نیز به خوبی استفاده می‌شود که محدوده و نیز آغاز و انجام و تعداد آیات و نام هر سوره در زمان حیات آن حضرت کاملاً مشخص و معین و معروف بوده است، به عنوان نمونه احادیث ذیل را بنگرید:

۱- و فی البخاری: انه (ص)- کان اذا أوی ای فراشه کل لیلة جمع کفیه ثم نفت فیهما فقرأ قل هو الله أحد و المعوذتین (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۷۷).

پیامبر (ص) هر شب هنگامی که به رختخواب می‌رفت، مشت‌های خود را جمع کرده در آنها می‌دمید، سپس قل هو الله أحد و معوذتین را قرائت می‌فرمود.

۲- و فی حدیث سعید بن خالد قرأ (ص) بالسبع الطوال فی رکعة، رواه ابن ابی شیبة فی مصنفه، و فیه أنه علیه الصلاة السلام کان یجمع المفصل فی رکعة (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۷۷).

ابن ابی شیبیه در کتاب مصنفش روایت کرده که در حدیث سعید بن خالد است که آن حضرت (ص) سوره‌های سبع طوال را در یک رکعت قرائت فرمود و نیز در آن آمده است که آن حضرت (ع) سوره‌های مفصل را در یک رکعت جمع می‌نمود.

۳- قال رسول الله (ص): من قرأ سورة الحشر ثم من يومه او ليلته كفر عنه كل خطيئة عملها (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۹).

هر کسی آخر سوره حشر را قرائت نماید و در آن شب یا روزش بمیرد همه لغزش‌هایش پوشانده شود.

۴- قال النبي (ص) من قرأ بالآيتين من آخر سورة البقرة في ليلة كفتاه (بخاری: ۲۳۱).

هرکس دو آیه آخر سوره بقره را در یک شب بخواند او را کفایت کنند.

۵- مسلم عن ابی الدرداء مرفوعاً؛ من حفظ عشر آيات من اول سورة الكهف عَصِمَ من الدجال (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۷۳).

هرکس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ نماید از فتنه دجال در امان ماند.

گفتنی است که سیوطی سوره‌های مختلفی مثل، بقره، آل عمران، نساء، اعراف، نصر، روم، انسان و... را برشمرده که پیامبر (ص) آنها را در نمازهایش تلاوت فرموده و سپس می‌گوید: تدل قراءته (ص) لهما بمشهد من الصحابة، ان ترتیب آیاتها توقیفی، و ما كان الصحابة ليرتبوا ترتيباً، سمعوا النبي (ص) يقرأ على خلافه (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۷۲-۱۷۳).

قرائت آن حضرت در حضور صحابه دلالت بر توقیفی بودن آیات دارد، چون که صحابه هرگز برخلاف ترتیبی که از پیامبر (ص) شنیده بودند مصحف را مرتب نساخته‌اند. وی در جای دیگر می‌گوید: ذکر الآيات في الاحاديث و الآثار اكثر من ان يحصى، كالا حاديث في الفاتحة، اربع آيات من اول البقرة و آية الكرسي و الآيتين خاتمة البقرة و كحديث: اسم الله الاعظم في هاتين الآيتين: « و الهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم و «الم الله لا اله الا هو الحى القيوم» (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۹۵).

نام بردن از آیات در احادیث و آثار بیشتر از آن است که به حساب آید، مانند احادیثی که درباره فاتحه کتاب، چهار آیه اول سوره بقره، آیه الكرسي، دو آیه آخر سوره بقره وجود دارد و یا حدیثی که می‌گوید: اسم اعظم در دو آیه « و الهكم اله واحد... » «الم الله لا اله الا» می‌باشد.

**دسته سوم** آن دسته از احادیثی هستند که بیانگر این حقیقت‌اند که صحابه با تعلیم پیامبر(ص) دریافته بودند که پایان سوره قبلی و شروع سوره بعدی با نزول بسم الله الرحمن الرحیم می‌باشد یعنی تا وقتی بسم الله جدیدی نازل نشده بود، هرچه نازل می‌گشت دنباله همان سوره قبلی محسوب می‌شد این دسته احادیث نیز در این زمینه کارساز بوده و از آنها می‌توان استفاده نمود که چینش و ترتیب آیات توقیفی و وحیانی بوده است.

به عنوان نمونه احادیث ذیل را بنگرید:

۱- عن ابن عباس انه قال: كان القرآن ينزل مفراً لا ينزل سورة سورة، فما نزل أولها بمكة اثبتناها بمكة و ان كان تمامها بالمدينة، و كذلك ما نزل بالمدينة و انه كان يعرف فصل ما بين السورة و السورة اذا نزل بسم الله الرحمن الرحيم فيعلمون ان الاولى قد انقضت و ابتدئ سورة اخرى (يعقوبی، ۳۴).

ابن عباس گفت: نزول قرآن به صورت پراکنده بود و نه یکجا، و سوره به سوره سوره‌ای که شروع نزولش در مکه بود آن را در میان سوره مکی ثبت می‌کردیم گرچه تکمیل و پایانش در مدینه بود، نسبت به سوره مدنی نیز همین‌گونه رفتار می‌شد، و فاصله میان یک سوره و سوره دیگر وقتی شناخته می‌شد، که بسم الله الرحمن الرحیم نازل می‌گشت آنگاه می‌دانستند که سوره قبلی پایان یافته و سوره دیگری آغاز گشته است.

۲- عن صفوان الجمال قال: قال ابو عبدالله (ع): ما انزل الله من السماء كتاباً الا و فاتحته بسم الله الرحمن الرحيم، و انما كان يعرف انقضاء السورة بنزول بسم الله الرحمن الرحيم، ابتداءً للأخرى (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۶).

صفوان جمال نقل می‌کند که: امام صادق (ع) فرمودند: خداوند از آسمان هیچ کتابی نفرستاده مگر اینکه آغازگر آن بسم الله الرحمن الرحیم بوده است و به درستی که پایان یافتن سوره به وسیله نزول بسم الله الرحمن الرحیم برای شروع نزول سوره دیگر فهمیده می‌شد.

از احادیث فوق استفاده می‌شود که شکل‌گیری طبیعی آیات در درون سوره‌ها، تصریحی ویژه از جانب پیامبر(ص) را نمی‌طلبد، چرا که کاتبان وحی از پیامبر(ص) آموخته بودند که تا وقتی بسم الله الرحمن الرحیم جدید نازل نشده باید آیات در دنباله سوره قبلی قرار داده شوند. بنابراین، اصل ترتیب طبیعی را به مدد روایات دریافتیم اینک می‌گوییم: علاوه بر این ترتیب که آن را ترتیب طبیعی نام نهادیم عامل دیگری نیز در

نظم بخشیدن به آیات قرآنی کارساز بوده است و آن تصریحات خاصی از پیامبر(ص) در مواردی ویژه مبنی بر جا دادن آیه یا آیتی در سوره‌ای به خصوص آنهم برخلاف ترتیب طبیعی بوده است و اگر چه این موارد اندک‌اند و استثناء ولی در هر حال اتفاق افتاده و راهی نیز برای پی بردن به آن جز از طریق احادیث مربوط وجود ندارد<sup>۱</sup> (معرفت، ۱۴۱۶: ۲۷۶ و معرفت محمد هادی، ۱۳۷۷: ۸۴).

بنابراین می‌گوییم:

**دسته چهارم** آن سری احادیثی هستند که دلالت دارند بر اینکه پیامبر(ص) با اشاره جبرئیل، جای برخی آیات را برخلاف ترتیب طبیعی معین می‌کرده است.

پس این موارد را نیز تنها به مدد روایات می‌توانیم بیابیم و یکی از موارد نقش آفرینی و کاربرد احادیث تفسیری این عرصه می‌باشد. به عنوان نمونه احادیث ذیل را بنگرید:

۱- روی احمد فی مسنده عن عثمان بن ابی العاص قال: كنتُ جالساً عند رسول الله (ص) اذ شخصٌ ببصره ثمَّ صوبه. ثم قال: أتاني جبرئيل فأمرني أن اضع هذه الآية هذا الموضع من هذه السورة « ان الله يأمر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذى القربى ... » فجعلت في سورة النحل بين آيات الاستشهاد و آيات العهد (سيوطي، ۱۴۰۷: ۱۷۲ و معرفت، ۱۴۱۶: ۲۷۶).

احمد در مسندش از عثمان بن ابی العاص روایت کرده که گفت: من نزد رسول خدا(ص) نشسته بودم، ناگهان آن حضرت چشمان خویش را به بالا دوخت سپس فرود آورد و فرمود: جبرئیل نزد من آمد و دستورم داد که این آیه را در اینجای این سوره قرار دهم. آیه این بود ان الله يأمر بالعدل و الاحسان ... پس آن آیه در سوره نحل ما بین آیات شهادت و دین قرار داده شد.

۲- احمد، ابو داود، الترمذی و النسائی و ابن حبان و الحاكم عن ابن عباس ... فقال عثمان: كان رسول الله (ص) تنزل عليه السورة ذات العدد، فكان اذا نزل عليه شيء دعا بعض من كان يكتفها، فيقول: ضعوا هؤلاء الآيات في السورة التي يذكر فيها كذا و كذا ... (سيوطي، ۱۴۰۷: ۱۷۲ و معرفت، ۱۴۱۶: ۲۷۷).

احمد حنبل ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن حبان و حاکم نیشابوری از ابن عباس نقل کرده‌اند که ... عثمان گفت: گاهی بر پیامبر(ص) چند سوره نازل می‌شد و هنگامی که بر

۱- لازم به یادآوری است که استاد معرفت این ترتیب را ترتیب دستوری نام نهاده‌اند در مقابل قسم اول که ترتیب طبیعی نام گذاری شده است.

آن حضرت چیزی نازل می‌گشت برخی از کاتبان را فرا خوانده و می‌فرمود این آیات را در سوره‌ای قرار دهید که در آن فلان و فلان ... یاد شده است.

۳- و روی آن آخر آیه نزلت قوله تعالی « و اتقوا يوماً ترجعون فيه الى الله » فاشار جبرئیل ان توضع بين آيتي الربا و الدين من سورة البقرة و عن ابن عباس و السدي: انها آخر ما نزلت من القرآن. قال جبرئيل ضعها في رأس الثمانين و المأتين (معرفت، ۱۴۱۶: ۲۷۶ و طبرسی، ۱۴۰۸: ۶۷۶).

روایت شده که آخرین آیه نازل شده و اتقوا يوماً ترجعون... بوده است که با اشاره جبرئیل بین آیات ربا و دین قرار گرفته، از ابن عباس و سدی نیز نقل شده که این آیه آخرین آیه نازل شده از قرآن بود که جبرئیل گفت آن را در رأس آیه دویست و هشتاد بقره قرار ده.

در خاتمه یادآور می‌شود که این نوشتار به دنبال آن بود که نشان دهد، برخلاف تصور کسانی که با دیده بی‌اعتنایی به مجموع احادیث تفسیری غیرفقهی می‌نگرند، این احادیث می‌توانند در عرصه‌ای مختلف مباحث قرآنی از جمله بحث توقیفی بودن نظم و چینش آیات بسیار راهگشا و مفید باشند و البته معلوم است که هرگز نخواسته‌ایم کاربرد این‌گونه احادیث را منحصر به این وادی نماییم.

### نتیجه‌گیری

از مجموعه روایات مورد استناد در این تحقیق استفاده می‌شود که:

۱- سوره‌های قرآنی در زمان حضور پیامبر (ص) تشخیص داشته و حدّ و مرز و محدوده آنها شناخته شده بوده و به اسامی خاصی نامبردار بوده‌اند. و این خود گویای تعیین و شکل‌گیری سوره‌ها در آن دوران است.

۲- دونهوه ترتیب در نظم بخشیدن به آیات قرآنی کارساز بوده‌اند:

الف: ترتیب طبیعی که با نزول بسم الله الرحمن الرحيم مشخص می‌شده است.

ب: ترتیب دستوری که با تصریح خاص پیامبر مبنی بر جا دادن آیه یا آیاتی در سوره‌ای بخصوص انجام می‌پذیرفته است.

۳- راهی برای پی بردن به کیفیت چینش آیات در ضمن سوره‌ها جز از طریق روایات وجود ندارد.

۴- چینش آیات و شکل‌گیری سور قرآنی راهی جز توقیف نییافته است.

۵- احادیث تفسیری در عرصه‌های مختلف قرآنی می‌توانند کارساز باشند.



## منابع و مأخذ:

- ۱- بخاری، محمد بن اسماعیل: صحیح البخاری، بیروت، دارالجیل، بی تا، بی تا.
- ۲- حجتی، سید محمد باقر: تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۱۲، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳- رامیار، محمود: تاریخ قرآن، امیرکبیر، چاپ ۴، تهران، ۱۳۷۹.
- ۴- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان: الاتقان فی علوم القرآن، داراحیاء العلوم ط ۱، بیروت، ۱۴۰۷ هـ.
- ۵- طباطبایی، محمدحسین: قرآن در اسلام، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۱، تهران، ۱۳۵۰.
- ۶- طبرسی، فضل بن الحسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ط ۲، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.
- ۷- مجلسی، محمدباقر: بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، ط ۲، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.
- ۸- معرفت محمدهادی: التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة، ط ۳، قم، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ۹- معرفت، محمدهادی: تاریخ قرآن، چاپ دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷۷.
- ۱۰- یعقوبی، احمد بن واضح: تاریخ یعقوبی، دارصادر، بی تا، بیروت.